



فصل تازه

مجله بیان فصل تازه‌ای را با اعضای جدید آغاز کرده است. سپس خود را هزاران بار به اعضای پیشین و دوستان تا همیشه ماندگارمان خانم‌ها مهناز طالبی، سارا کیانی و فاطمه حسنی جلیلیان تقدیم می‌کنیم و هزاران دست مریزاد به ایشان که با زحمات بی‌دریغشان برای مجله بیان افتخار آفریدند. مسئولان جدید مجله، خانم‌ها حمیده پشتوان (مدیرمسئول)، المیرا اسماعیل پور (سردبیر)، مریم نورنمایی (ویراستار) و نفیسه تدین (مسئول شبکه‌های اجتماعی) همواره نیازمند حمایت‌ها و رهنمودهای پیشینیان خواهند بود.

از آنجایی که رسالت مجله بیان ترویج علم زبانشناسی و آموزش زبان فارسی است، تلاش خواهد شد مطالب منتشرشده هرچه بیشتر در معرض دید همگان قرار بگیرند. از همین رو، بیان به تازگی در شبکه لینکداین و اینستاگرام نیز فعال شده است. همچنین بنامست همه مطالب چاپ شده در مجله دارای شناسه دیجیتال DOI شوند. همه مطالب مجله در مخزن اطلاعاتی کتابخانه دانشگاه الزهرا که ارمغانی جدید برای دانشگاهمان است نیز بارگذاری خواهد شد. امیدواریم با سعی و تلاش نامتناهی و همراهی شما عزیزان به شعارمان که ترویج علم زبان‌شناسی است، جامعه عمل بپوشانیم.

آدرس لینکداین مجله بیان: <https://www.linkedin.com/in/bayan-magazine-stassociation>

شناسه اینستاگرام: bayan_magazine

ایمیل مجله در یاهو: bayan.magazine@yahoo.com

جیمیل مجله: bayan.alzahra@gmail.com

المیرا اسماعیل پور

یادداشت سردبیر

زبانشناسی چه جایگاهی در واژگان ذهنی گویشوران فارسی‌زبان دارد؟

در میان دانشجویان و پژوهندگان زبانشناسی هنگامی فردی که در رشته‌هایی جز ادبیات، زبان و زبانشناسی تحصیل کرده است نام زبانشناسی را می‌شنود شاید اولین واژه‌ای که برایش تداعی می‌شود، واژه روان‌شناسی باشد و هنگامی که کنجکاو می‌شود، می‌پرسد چه زبانی را می‌خوانید یا چند تا زبان بلدید. چرا این اتفاق در جامعه فارسی‌زبان افتاده است. در ایران یک زبانشناس اگر بخت بسیار بلندی داشته باشد، استاد دانشگاه می‌شود و شاید در حالتی معمولی‌تر مدرس زبان و یا مترجم و در نهایت شوربختی بیکار خواهد ماند. البته بگذریم از دوستانی که غم غربت را به جان می‌خرند و به عنوان زبان‌شناس، جایگاه و همچنین شغل خوبی را در کشور مقصد می‌یابند.

زبانشناسی رشته بسیار ضروری برای هر جامعه است. هر زمانی هر مکانی هر تخصصی رانگاه کنید، بدون علم زبان و برنامه‌ریزی زبان پیشرفتی نخواهد داشت. اما یک زبانشناس در ایران چه جایگاهی دارد هنگامی که زبانشناسی در واژگان ذهنی افراد ایرانی وجود ندارد؟ علت را کجا

سرقت زبانی: سخن ربایی

آقای دکتر فرهاد ساسانی

Fsasani@alzahra.ac.ir

● سرقت زبانی چیست؟

یکی از گرفتاری‌های دوران کنونی، به هر دلیل، دستبرد به سخنان دیگران و «تصاحب» و «تملک» آن است. این دستبرد، که می‌توان آن را «سرقت زبانی» نامید، آگاهانه یا ناآگاهانه، در فضای علمی و دانشگاهی، به دلیل انتظار عمومی بیشتر از آن‌ها در رعایت معیارهای اخلاق علمی، به شکلی ناپسندتر نمایان شده است. به بیان دیگر، سرقت زبانی، که یکی از گونه‌های تخلف علمی نیز به شمار می‌آید، در پی نقض مالکیت فکری و به طور خاص مالکیت سخن رخ می‌دهد. از این رو، شناخت مصداق‌ها و معیارهای بازشناسی آن نخستین گام در روند برچینی این رفتار ناپسند است. به همین دلیل، در ادامه تلاش می‌شود معیاری بازشناسی سرقت زبانی شناسایی و معرفی شود.^۱

سرقت زبانی نوعی تخلف علمی است که به طور خاص می‌توان آن را بهره‌مندی بی‌اجازه از گفته، نوشته، داده یا هرگونه تولید چندرسانه‌ای دیگری به هر نوع، خواه به صورت کپی کامل، خواه برداشت جزئی و خواه برداشت ایده و سپس بیان آن در قالبی مشابه تعریف کرد. در فضای آکادمیک معمولاً این سرقت از مقاله، پایان‌نامه یا رساله، کتاب، یادداشت، داده، سخنرانی و موارد مشابه انجام می‌گیرد. سرقت زبانی به نوعی خود دربرگیرنده‌ی عملی است که پیشتر از آن با عنوان سرقت ادبی یا انتحال یاد شده است. از سوی دیگر، سرقت زبانی خود می‌تواند زیرمجموعه‌ای از سرقت علمی یا در شکل عام‌تر، تخلف علمی تلقی گردد. از صورت‌های دیگر این گونه سرقت در دیگر نظام‌های نشانه‌ای غیر از زبان می‌توان با نام‌هایی مانند

۱. منبع تصویر:

<https://www.wqxr.org/story/detecting-music-plagiarism-post-blurred-lines-case>

«سرقت هنری» به طور خاص، و «سرقت نشانه‌ای» به طور عام یاد کرد. سرقت زبانی را می‌توان سخن‌ربایی (فضیلت، ۱۳۹۲) و دزدی زبانی نیز نامید.

جان آلسن^۲ (۲۰۰۴: ۱۰۹) سرقت زبانی^۳ را به شکلی ساده «دزدی واژه‌ها و اندیشه‌های دیگران» تعریف می‌کند و می‌افزاید «با نوشتن همین جمله» بدون یادآوری منبع آن در واقع «مرتکب سرقت زبانی شده‌ام»، چون این جمله‌ای است که به تعبیر آلسن بر وبگاه‌های بسیاری از دانشگاه‌ها نقش بسته، و مشخص نیست چه کسی از چه کسی آن را وام گرفته است! مَلْکُم کُلْتارْد^۴ و آلیسن جانسن^۵ (۲۰۰۷: ۱۸۶) این گفته‌ی مادوکس^۶ (۱۹۹۱: ۱۳) را در تعریف سرقت زبانی نقل می‌کنند:

سرقت زبانی جدیدترین جرم شناخته‌شده بر ضد دانش و پژوهش است. ... سرقت زبانی به دزدی لفظی از واژه‌های دیگری، و در نتیجه محروم کردن قربانی نه تنها از اعتبار آن... واژه‌های ربوده شده، بلکه از هر فکر و تخیلی است که آن واژه‌ها به آن تجسم می‌بخشیدند.

آلسن (۲۰۰۴: ۱۱۳) تأکید می‌کند که «سرقت بی‌غرض نیز باز سرقت است». به بیان دیگر، حتی اگر کسی نداند که چگونه باید سخن دیگری را در گفته یا نوشته‌ی خود به کار برد و به شکلی مناسب به آن ارجاع ندهد، باز مرتکب سرقت زبانی شده است. این سرقت می‌تواند غیرمستقیم باشد؛ یعنی بهره‌مندی از سخن کسی و برداشت ایده‌ی او و سپس ریختن

2- John Olson

3- plagiarism

اگرچه این واژه را در فارسی پیشتر «سرقت ادبی» ترجمه کرده‌اند، ولی گویی با گسترش معناییش در زبان انگلیسی و تممیم به هر نوع سرقت زبانی، بهتر باشد آن را «سرقت زبانی» (از جمله دربرگیرنده‌ی سرقت ادبی) تعبیر کرد.

4- Malcolm Coulthard

5- Alison Johnson

6- J. Maddox

آن در قالب جمله‌های خود، بدون آن که به منبع اصلی ارجاع داده شده باشد؛ یعنی نقل غیرمستقیم بدون اشاره به منبع آن. این سرقت می‌تواند به شکل مستقیم‌تر و با نقل بخشی از سخنان دیگری، از یک واژه یا عبارت ویژه گرفته تا چند جمله، بدون ارجاع مناسب به منبع اصلی، انجام گیرد.

در کل می‌توان سرقت زبانی را دو گونه دانست (این طبقه‌بندی به نوعی طبقه‌بندی آلسن (۲۰۰۴: ۱۱۴-۱۱۵) از انواع سرقت زبانی است): ۱- سرقت واژه به واژه، و ۲- سرقت درهم‌ریخته.

۱- سرقت واژه به واژه: سرقت واژه به واژه یا به تعبیر آلسن (۲۰۰۴: ۱۱۴) کاتاندپیست^۱ یعنی برداشتن زنجیره‌ای از واژه‌های متن یک فرد و به‌کاربردن آن با توالی مشابه در متن خود بدون ارجاع به او. برای آزمایش، می‌توان از موتورهای جستجوی اینترنتی استفاده کرد و عبارت مورد نظر را داخل گیومه قرار داد و کاوید. جستجوگر شمار عبارت‌های یکسان را نشان می‌دهد. با افزودن بر تعداد واژه‌های آن زنجیره، مشاهده می‌شود که احتمال یافتن موارد یکسان کمتر و کمتر می‌شود. جان آلسن (۲۰۰۴: ۱۰۹-۱۱۸) برای تعیین آستانه‌ی سرقت زبانی یا به تعبیر

1- cut-and-paste

او «بزرگ‌ترین زنجیره‌ی هم‌رخدادی^۲» (همان: ۱۱۰) یا به بیان من «بزرگ‌ترین زنجیره‌ی همسان»، می‌کوشد میزان احتمال یافتن زنجیره‌های یکسان انگلیسی را در اینترنت به دست آورد؛ البته «عبارت‌های ثابت» یا «کلیشه‌ای» را کنار می‌گذارد. پس از بررسی زنجیره‌های مختلفی از یک واژه گرفته تا هم‌نشین ۲۰ تا ۳۰ واژه، در می‌یابد که زنجیره‌ای در حدود ۶ واژه‌ی انگلیسی یا ۳۵-۴۰ نویسه از خط انگلیسی را می‌توان بزرگ‌ترین زنجیره‌ی یکسان در نظر گرفت. یعنی احتمال یکسانی زنجیره‌های بلندتر از ۶ واژه ضعیف است. آن کُلْتارْد، جانسن، کِرْدِنز^۳ و وولز^۴ (۲۰۱۰: ۲۵۹) طول ۶ تا ۸ واژه را کمترین توالی ممکن، یا به تعبیر نگارنده، «آستانه»ی سرقت زبانی تعیین می‌کنند. اگرچه همان‌گونه که آن‌ها (همان‌جا) یادآور می‌شوند، بهتر است در هر زمینه‌ی تخصصی، پیکره‌های از منابع رایج گردآوری شود و مبنای جستجو قرار گیرد. آن‌ها می‌نویسند این رویکرد را برای نخستین بار شرکت آیبِرادایمز^۵ در برکلی کالیفرنیا به کار برده است. اکنون برای بررسی سرقت زبانی در انگلیسی وبگاه‌های دیگری با نرم‌افزارهای شناسایی

2- maximum string of coincidence

3- Krzysztof Kredens

4- David Woolls

5- Paradigms Inc

۵

پیا

مجله بیان • سال نهم • شماره ۱۴ • پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۴

پیا

مجله بیان • سال نهم • شماره ۱۴ • پاییز و زمستان ۱۳۹۸

سرقت زبانی هست، که یکی از معروف‌ترینشان تورنیتین با نشانی زیر است:

<http://www.turnitin.com>

پس می‌توان معیار اصلی بازشناسی سرقت زبانی را این گونه بازنویسی کرد: چنانچه فردی زنجیره‌ای مرکب از ۶-۸ واژه‌ی یکسان را، به جز عبارت‌های کلیشه‌ای و جالفتاده در زبان، با ترتیبی همانند فردی دیگر در متن خود بدون ارجاع به او به کار برد، و این عمل را چندین بار تکرار کند، می‌توان اتهام سرقت زبانی در مورد او را محتمل دانست. تأکید می‌شود برای نشان‌رفتن انگشت اتهام به سوی او، باید این عمل چندین بار در یک متن تکرار شود. اگرچه همان‌گونه که اُلسن (همان: ۱۱۴) می‌نویسد، «سرقت زبانی واژه به واژه معمولان با دستبردزدن به تکه‌های بسیار بلندتری از [نوشته‌های] قربانیان» رخ می‌دهد.

۲- سرقت درهم‌ریخته: سرقت درهم‌ریخته یا به تعبیر اُلسن (۲۰۰۴: ۱۱۵۹) سرقت موزاییکی^۱ از راه آمیختن زبان قربانی با زبان خود همراه با تغییر واژه‌ها و عبارت‌های کلیدی بدون اشاره به منبع اصلی انجام می‌پذیرد، ولی در عین حال همان اندیشه، مفهوم یا رخداد متن اصلی کمابیش با همان نظم تکرار می‌شود. کلتارد، جانسون، کُردِنز و وولز (۲۰۱۰: ۲۵۵) گونه‌های سرقت زبانی را، بدون تعریف آن‌ها، چنین بر می‌شمرند: کاتاندپیس، بازآرایی^۲، گنجاندن^۳، حذف^۴، بازنویسی^۵، و وصله‌نویسی^۶. پس می‌توان کاتاندپیس را همان گونه‌ی نخست، یعنی سرقت واژه‌به‌واژه دانست، و موارد دیگر را در زمره‌ی زیرگونه‌های گونه‌ی دوم، یعنی سرقت درهم‌ریخته انگاشت. می‌توان این زیرگونه‌ها را چنین تعریف کرد: «بازآرایی» بهره‌گیری بدون ارجاع از سخنان دیگری با تغییر ترتیب و توالی واژه‌ها و عبارت‌های آن، «گنجاندن» درج واژه‌ها و عبارت‌های خاص دیگری در متن خود بدون ارجاع به آن‌ها، «حذف» استفاده از متن دیگری با حذف بخشی از آن، «بازنویسی» بهره‌مندی از سخن دیگری و نگارش آن با قلم خود بدون اشاره به بهره‌مندی از آن منبع، و «وصله‌نویسی» استفاده‌ی پراکنده و متناوب از واژه‌ها و عبارت‌های دیگری در متن خود بدون ارجاع به آن است.

- 1- mosaic plagiarism
- 2- re-arrangement
- 3- insertion
- 4- omission
- 5- rewriting
- 6- patchwriting

● معیارهای بازشناسی سرقت زبانی

در ادامه معیارهای بازشناسی سرقت زبانی، برگرفته از اُلسن (۲۰۰۴) و نیز کلتارد، جانسون، کُردِنز و وولز (۲۰۱۰) و نیز برخی مشاهدات نگارنده معرفی می‌شود. به تعبیر کلتارد و همکارانش (۲۰۱۰: ۵۲۷) می‌توان با استفاده از برخی نرم‌افزارها و محاسبه‌ی کمی ۱- شمار نویسه‌های یکسان (شامل فاصله‌ها)، ۲- بسامد هر نویسه، ۳- شمار واژه‌های یکسان، ۴- شمار جمله‌های یکسان، ۵- طول یکسان جمله‌ها، ۶- توالی یکسان نویسه‌ها، ۷- توالی یکسان واژه‌ها، و ۸- توالی یکسان جمله‌ها، به نوعی «اثر انگشت» زبانی نویسندگان دست یافت. البته در نهایت برای تعیین سرقت زبانی، تحلیل کیفی ضروری است. معیارهای یادشده (شامل معیارهای کمی که بیشتر با نرم‌افزار تشخیص‌دانی است و معیارهای کیفی) برای مقایسه‌ی متن اصلی با متن متهم به سرقت برای تأیید سرقت زبانی به شرح زیر است:

۱. متن مورد بررسی باید دستکم حدود ۵۰۰ واژه باشد؛
۲. درصد واژه‌های مشترک باید بالا باشد (اُلسن (۲۰۰۴: ۱۱۶) این مقدار را بیش از ۵۰ درصد تعیین می‌کند)؛
۳. چگالی واژگانی متن زمانی باید بالا باشد که متن از نظر مفهومی و فکری غنی باشد، در غیر این صورت می‌تواند نشان‌دهنده‌ی سرقت باشد؛
۴. شمار یکبارواژه‌های مشترک میان متن اصلی و متن متهم به سرقت بالا باشد، یعنی شمار زیادی از واژه‌هایی که تنها یک بار در متن اصلی به کار رفته در متن متهم نیز یک بار به کار رفته باشد؛
۵. شمار یکبارواژه‌های منحصربه‌فرد پایین باشد، یعنی شمار واژه‌هایی که تنها یک بار در متن متهم استفاده شده کم باشد؛
۶. چگالی واژه‌های منحصربه‌فرد^۷ در هر دو متن مشابه باشد؛
۷. توالی یکسان واژه‌ها بارها مشاهده شود؛
۸. میانگین طول عبارت‌ها به هم نزدیک باشد؛
۹. میانگین طول جمله‌ها به هم نزدیک باشد؛
۱۰. جمله‌های یکسان در هر دو متن فراوان باشد؛
۱۱. بسامد نویسه‌ها در هر دو متن به هم نزدیک باشد؛
۱۲. توالی یکسان نویسه‌ها در هر دو متن نزدیک باشد؛

7- hapax legomena/ hapax
8- unique

۱۳. آمیختگی رسم‌الخط در کار متهم مشاهده شود (برای نمونه، وجود همزمان «ه»، «ة» و «هی» به جای «هی»؛ یا وجود دو املای متفاوت از «فلاطون» و «فلاتون»؛
۱۴. اختصارها و سرواژه‌ها و صورت‌های کوتاه‌شده در هر دو متن مشابه باشد؛
۱۵. تفاوت نقطه‌گذاری در متن متهم مشاهده شود؛
۱۶. چگالی نقطه‌گذاری مشابه باشد (ویرگول، نقطه، نقطه‌ویرگول، پرانتز، خط تیره، ایرنیک، پررنگ، و...؛
۱۷. متن اصلی کوتاهتر و کمتر کمطمطراق باشد، ولی متن متهم تزیینشده‌تر و بلندتر با جمله‌های بلندتر باشد؛
۱۸. مشابهت ویژگی‌های دستوری در هر دو متن فراوان باشد (برای نمونه، به‌کاربردن فعل مفرد برای فاعل دستوری جمع بی‌جان مانند «دیوارها فرو ریخت»)، که البته می‌توان این موارد را با دیگر بخش‌های متن متهم یا دیگر نوشته‌های او مقایسه کرد؛
۱۹. مشابهت ویژگی‌های متنی در هر دو متن فراوان باشد (برای نمونه، شیوه‌ی تقسیم‌بندی متن به بخش‌های مختلف، عنوان‌بندی، شیوه‌ی آغاز پاراگرافها)؛
۲۰. تغییر سبک^۱ بخشی از متن نسبت به سبک عمومی نویسنده، بویژه آن که زبان رسمی و محاوره‌ای همزمان در متن متهم به کار رفته باشد؛
۲۱. برای اطمینان بیشتر، می‌توان بخشی از متن متهم را با دیگر بخش‌های همان متن یا دیگر متن‌های همان نویسنده مقایسه کرد.

گفتنی است این معیارها را می‌توان برای بازشناسی سرقت زبانی در پایان‌نامه، مقاله، کتاب، شهادت، اظهارات آماده‌شده توسط پلیس و وکیل، و ترجمه به کار برد. در لغتنامه‌ها نیز کاربرد دارد. ولی کلتارد و همکارانش (۲۰۱۰: ۵۳۳) این معیارهای ویژه را برای شناسایی سرقت زبانی در واژه‌نامه‌ها بر می‌شمرند: ۱- مشابهت پرسامدترین واژه‌های دو فرهنگ مورد بررسی، ۲- مشابهت فعل‌های حرکتی، ۳- به‌کارگیری صفت‌های ارزشی یکسان، ۴- اصطلاح‌های فرهنگ‌محور یکسان، ۵- اشتباه‌های املائی یکسان، و ۶- مشاهده‌ی واژه‌نگاری نامناسب یکسان.

با این حال، به نظر می‌رسد به دلیل ترجمه‌ی برخی منابع، ویرایش برخی منابع پارسی، کمبود پیکره‌های زبانی بزرگ در زبان پارسی، خودداری از ارائه‌ی اطلاعات و انتشار نیافتن برخی

1- style shift

منابع مانند پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بر روی وبگاه‌های دانشگاهی، کار بازشناسی سرقت تا حد زیادی در ایران دشوار است.

● راه‌هایی برای پرهیز از سرقت

روش‌های زیر برای پرهیز از سرقت زبانی در متن پیشنهاد می‌شود:

۱. هنگام نقل مستقیم، با اشاره به تاریخ، صفحه و نشانی کامل منبع در کتابنامه، آن سخن را اگر کمتر از سه خط (حدود ۴۰ واژه) بود، داخل گیومه قرار دهید، و اگر بیش از آن بود، با جداسازی از بقیه‌ی متن، آن بخش را به صورت تورفته از یک سو (یا دو سو و حتا با قلم یا اندازه‌های متفاوت) از متن خود متمایز کنید. اگر هم نیاز است، عبارت‌های خاص آن منبع را نیز داخل گیومه قرار دهید.
۲. منبع عکس‌ها، نمودارها، جدول‌ها و مانند آن‌ها را به دقت باز بنویسید کنید (خواه از مقاله، کتاب، پایان‌نامه، یا نسخه‌ی خطی باشد، خواه از وبگاه و خواه از موزه، نگارخانه یا مواردی مانند آن‌ها).
۳. با تغییرات اندک (مانند دستوری و واژگانی) نمی‌توان فکر و سخن کسی را تصاحب کرد؛ پس ناگزیر باید هر گونه برداشت از سخن و ایده‌ی کسی با ارجاع مشخص به آن همراه باشد. چنانچه از نقل مستقیم استفاده نمی‌شود، و تنها خلاصه یا برداشتی از سخن بیان می‌شود، می‌توان آن را به صورت غیرمستقیم ولی با ارجاع مستقیم به منبع ارائه کرد.
۴. بهتر است حتا وقتی از سخن خودتان نقل یا برداشت می‌کنید، به آن ارجاع دهید.

● کتابنامه

فضیلت، محمود، سرقات ادبی: سخنرایی و گونه‌های آن، نقد منابع و مالیت معنوی (تهران: زوار، ۱۳۹۲).

Coulthard, Malcolm & Alison Johnson, An Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence (London/ New York: Routledge Taylor & Francis Group, 2007).

Coulthard, Malcolm, Alison Johnson, Krzysztof Kredens & David Woolls, "Four forensic linguists' responses to suspected plagiarism", in The Routledge Handbook of Forensic Linguistics, ed. by Malcolm Coulthard & Alison Johnson (London/ New York: Routledge, Taylor & Francis Group, 2010), pp. 523-538.

Maddox, J. "Another mountain from a molehill", Nature, no. 351 (1991), p. 13.

Olson, John, Forensic Linguistics: An Introduction to Language, Crime and the Law (London/ New York: Continuum, 2004).

عنوان رساله: بررسی ساختاری و معنایی واژه‌های سه گویش آران-بیدگلی، بوشهری و شهرکردی: تحلیلی در زبان‌شناسی زیست‌محیطی

چکیده رساله دکتری خانم دکتر مهناز طالبی

دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه الزهرا

alchemist_mahta@yahoo.com

طبیعی (از هر منطقه ۳۰ پدیده طبیعی) است. داده‌های پژوهش از بررسی منابع نوشتاری هر گویش و پاسخ گویشوران اصیل هر منطقه به پرسش‌نامه‌ها به دست آمده است. از هر منطقه ۱۰۰ گویشور اصیل و بومی به سوال‌های پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ داده‌اند و به طور کلی ۳۰۰ گویشور در پژوهش شرکت داشته‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد واژه‌های زیست‌محیطی دارای ساختار صرفی ساده است؛ بررسی مؤلفه‌های معنایی در واژه‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد که نام جانوران بیشترین پاسخ در خطاب، معنای مثبت و منفی و جنسیت استعاری داشته است. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان به ارائه استعاره‌های زیربنایی جدید برای طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی جانوران، گیاهان و پدیده‌های طبیعی اشاره کرد؛ استعاره زیربنایی عادت و رفتار برای جانوران و استعاره زیربنایی ویژگی برجسته برای گیاهان و پدیده‌های طبیعی بیشترین کاربرد در طبقه‌بندی مولکول‌های معنایی واژه‌های زیست‌محیطی داشته است. یکی از مهمترین دستاوردهای رساله حاضر این است که برخلاف ترتیب وجودها در زنجیره بزرگ بودن، در برخی از مؤلفه‌های معنایی پدیده‌های طبیعی پاسخ بیشتری نسبت به گیاهان دریافت کرده‌اند.

زبان‌شناسی زیست‌محیطی از دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از گرایش‌های کاربردی در مطالعات زبان‌شناسی مطرح شد. از آن زمان، این گرایش به بررسی روابط متقابل میان یک زبان خاص و محیط طبیعی-اجتماعی گویشوران آن زبان می‌پردازد، از آن‌رو که در این گرایش گوناگونی زبان‌شناختی محیط‌های طبیعی-اجتماعی، منعکس-کننده شباهت‌ها و تفاوت‌های نگرش جامعه‌های زبانی مختلف به پدیده‌های طبیعی و برآمده از شناخت، نیازها، فرهنگ و عوامل زیست‌محیطی و انسانی تلقی می‌شود. از آنجا که واژه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها را در هر زبانی می‌توان در تعامل با محیط طبیعی آن زبان به شیوه‌ای متفاوت دید، در این راستا در این رساله برآنیم تا واژه‌های زیست‌محیطی مربوط به جانوران، گیاهان و پدیده‌های طبیعی در سه منطقه جغرافیایی با اقلیم‌های متفاوت را از نظر ساختاری و معنایی بررسی کنیم. سه منطقه، آران و بیدگل از اقلیم گرم و خشک، بوشهر از اقلیم گرم و مرطوب و شهرکرد از اقلیم سرد و کوهستانی برای جمع‌آوری پژوهش حاضر انتخاب شدند. از میان ۲۸۵ واژه زیست‌محیطی بررسی شده در پژوهش، ۱۰۵ واژه مربوط به جانوران (از هر منطقه ۳۵ جانور)، ۹۰ واژه مربوط به گیاهان (از هر منطقه ۳۰ گیاه) و ۹۰ واژه مربوط به پدیده‌های



گزارش نشست دانشجویی هفته پژوهش



گزارش از: نفیسه تدین
Nafisa.tadayyon@gmail.com

در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۸ جلسه سخنرانی خانم مینا قندهاری، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، به مناسبت هفته پژوهش برگزار شد. در این نشست مفید، که با شرکت سه نفر از اساتید محترم گروه زبان‌شناسی خانم‌ها دکتر نوربخش، دکتر قطره و دکتر عباسی و جمعی از دانشجویان برگزار شد، خانم قندهاری تجربه‌های فرصت مطالعاتی خود در کشور ایتالیا را بازگو کردند. تأکید ایشان بر لزوم تشکیل جلسات هفتگی، ایجاد ارتباط صمیمانه بین افراد و افزایش همکاری علمی بین دانشجویان و اساتید در پژوهش‌ها و نگارش مقاله‌های علمی و پژوهشی بود. در پایان نشست، به پرسش‌های دانشجویان در مورد چگونگی مکاتبه با اساتید خارج از کشور برای همکاری‌های علمی و دریافت پذیرش برای همکاری حضوری پاسخ داده شد.

تبریک

پایان‌نامه دکتری خانم دکتر مهناز طالبی به راهنمایی خانم دکتر فریبا قطره، امسال، در دومین دوره جشنواره پایان‌نامه‌های برتر دکتر حسابی، به عنوان پایان‌نامه برگزیده انتخاب شد. مجله بیان این موفقیت را به ایشان و خانم دکتر قطره و نیز استادان گروه زبان‌شناسی تبریک می‌گوید و امیدوار است این درخشش‌ها در دوره‌های بعد نیز تکرار شود.



نویسنده: المیر اسماعیل پور
e.esmaeelpour@alzahra.ac.ir

جکنداف و معنی‌شناسی مفهومی

چکیده

جکنداف زبانشناس و فیلسوف معروف آمریکایی است. بسیاری او را از بزرگان و تاثیرگذاران زبانشناسی شناختی می‌دانند و این در حالیست که او هنوز خود را زبانشناسی زایشی تلقی می‌کند. دیدگاه جکنداف به زبان یا بهتر است این طور بگوییم معنی‌نگاهی تجزیه بنیاد است. او به مولفه‌های جهانی در معنی می‌اندیشد. معماری ذهن انسان از نظرگاه جکنداف بر موازی بودن و مولفه‌های مکان‌مند و همچنین ساختار مفهومی استوار است. او معنی‌شناسی را معنی‌شناسی مفهومی می‌پندارد و برای آن لایه‌هایی بر پایه مفهوم قائل است. جکنداف برای تجزیه زبان بر پایه معنی مولفه‌هایی را در نظر می‌گیرد که هرچند کاربردی اما قابل انتقاد است.

کلیدواژه: زبانشناسی شناختی، معماری ذهن انسان، معنی‌شناسی مفهومی، مولفه‌های جهانی.

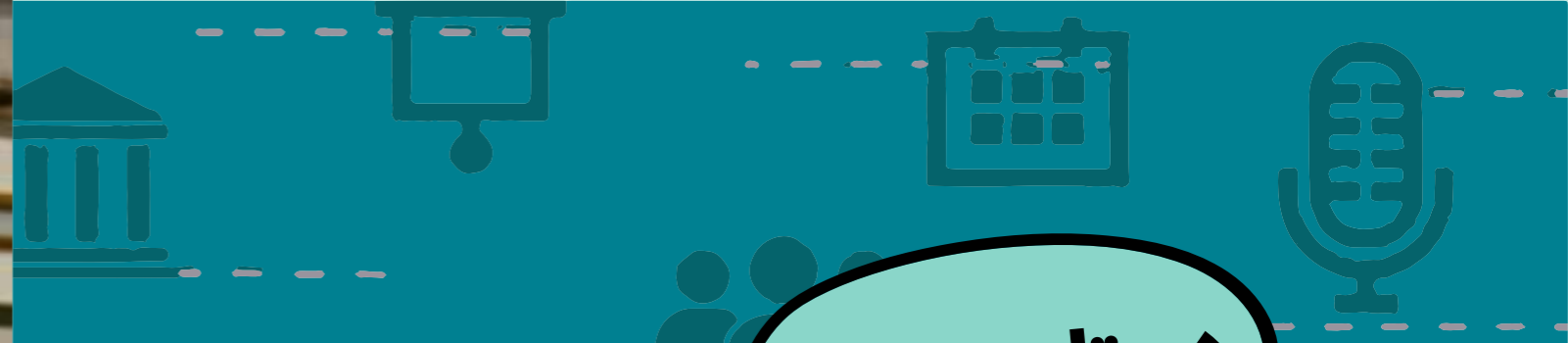
۱. مقدمه

جکنداف متولد سال ۱۹۴۳ میلادی در آمریکا است.^۱ او تحصیلات خود را در رشته زبان‌شناسی تحت نظر نوآم چامسکی در دانشگاه ام‌آی‌تی به انجام رسانید. همانطور که چامسکی پرچمدار زبان‌شناسی زایشی است این توقع را داشت تا همه شاگردانش پیرو این مکتب از فرارشته زبان‌شناسی باشند. جکنداف نه مانند لیکاف سرپیچی کرد و نه تمام‌قد زبان‌شناسی زایشی بود. علاقه وی به شناخت و مسائل مربوط به بازنمایی و مفهوم او را بر آن داشت تا تصویر نوینی از زبان‌شناسی را ارائه دهد که بیشتر برچسب

۱. منبع تصویر: <https://alchetron.com/Ray-Jackendoff>

زبان‌شناس شناختی را به او دهند. هرچند جکنداف با جسارت همیشگی‌اش ادعا می‌کند زبان‌شناس زایشی به تمام معنا من‌هستم و زایشی‌ها راه را اشتباه رفته‌اند. او ۱۵۸ اثر را به چاپ رسانده است که از میان آن‌ها می‌توان به تحقیقات ارزشمندی در باب زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی مفهومی، ساخت‌واژه، و موسیقی از دیدگاه زبان‌شناسی زایشی اشاره کرد.

این پژوهش سعی بر آن دارد تا آرای جکنداف را از دیدگاه معنی‌شناسی مفهومی بررسی کند. معنی‌شناسی مفهومی رویکردی صورت‌گرا به معنی برای مطالعه زبان طبیعی است که اولین بار توسط جکنداف در سال‌های ۱۹۸۳، ۱۹۸۷،



Modern
Language
Association

MLA

دستاوردی نو

زبان‌پژوهی در انجمن زبان‌های مدرن (MLA) نمایه شد

روزهای نخستین زمستان امسال را با خبری خوش برای اهالی زبان‌شناسی ایران و به‌ویژه، الزهرا آغاز کردیم. مجله علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی از سوی انجمن زبان‌های مدرن آمریکا (MLA)^۱ نمایه شد. انجمن زبان‌های مدرن سازمانی است برای پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات که در سال ۱۸۸۳ بنیان گذاشته شده است. این انجمن پایگاه داده بسیار بزرگ «کتابنامه بین‌المللی»^۲ را اداره می‌کند که تا این زمان بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کتاب چاپی و الکترونیک، مجله و وبسایت را نمایه کرده است. عنوان‌های نمایه شده، تمام شکل‌های ارتباط انسان از قبیل ادبیات، زبان‌شناسی، هنرهای دراماتیک، فولکلور، آموزش و پرورش و چاپ و انتشارات را در برمی‌گیرند. برای آنکه مجله یا کتابی در این کتابنامه نمایه شود، باید معیارهای مورد نظر انجمن زبان‌های مدرن، از جمله استاندارد محتوا و شکل را برآورده سازد.

1. Modern Languages Association
2. MLA International Bibliography

تبریک

پاییز امسال خانم دکتر فریده حق‌بین عزیزمان به کسوت استاد تمامی درآمدند. مجله بیان به نوبه خود، این افتخار را به ایشان، دانشجویان و گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا تبریک می‌گوید و برایشان موفقیت‌های بیشتر را آرزومند است.



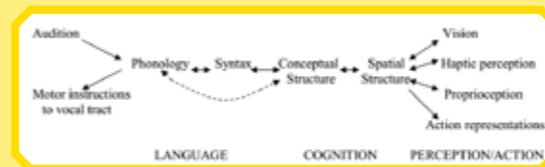
۱۹۹۰، ۲۰۰۲ شکل گرفت و تکمیل یافت. در این راه او تنها نبود و پینکر^۱ یکی از هم‌راهان اصلی وی به شمار می‌رود. این رویکرد به دو سطح کاملا مجزا از هم تقسیم می‌شود. سطح اول به بیان فلسفی آن می‌پردازد و سطح دوم آن عملکرد ساخت‌وساز آن را که منجر به معنی‌شناسی مفهومی می‌شود تبیین می‌کند. این مقاله سعی بر آن دارد پس از عبوری گذرا از سطح یک، سطح دو را به طور کامل موشکافی کند. از آنجایی که در زبان فارسی مطالعاتی در باب اندیشه‌های جکنداف در باب معنی‌شناسی مفهومی انجام شده است، در این مقاله مروری نقادانه بر این آثار خواهد شد.

۲. معنی‌شناسی مفهومی

هدف معنی‌شناسی مفهومی بررسی فهم انسان از یک گزاره زبانی است (جکنداف، ۱۹۹۲). جکنداف (۱۹۹۲) از

1. Pinker

دو تعهد که لازمه رسیدن به این هدف هستند صحبت می‌کند: ۱- هدف عصب‌شناختی و ذهن‌گرایانه، و ۲- هدف کاربردشناختی. قلب تپنده این نظریه در بازنمایی ذهنی آن نهفته است که ساخت زبان را با دنیای واقعی و فهم انسان پیوند می‌دهد. لندا و جکنداف (۱۹۹۳) معماری ذهن انسان را همانند تصویری که در زیر بازنمایی شده است به تصویر می‌کشند:



تصویر ۱: معماری ذهن انسان

نکته جالب در این تصویرجهت‌های رفت‌وبرگشتی و موازی است و برخلاف دیدگاه زایشی تنها رفت وجود ندارد. سمت چپ نمودار بخش کاملا زبانی این معماری است. یا انسان درک می‌کند و یا تولید زبانی از طریق فرمان اعصاب

مربوطه به تارهای صوتی دارد. بخش‌های آشنای دیگر واج‌شناسی و نحو است که جکنداف همان تعبیری را از آن‌ها دارد که در سنت زایشی از آن‌ها یاد شده است. بخش میانی مربوط به مفهوم‌سازی است که به شناخت انسان از جهان مرتبط می‌شود. این بخش متصل به ساختار مکان‌مند است که تمامی حواس انسانی براساس مفهوم مکان تداعی می‌شوند (جکنداف، ۱۹۸۷، ۱۹۷۶).

۲-۲. ویژگی‌های اصلی ساختار مفهومی

جکنداف (۲۰۰۲) در فصل ۱۱ و ۱۲ کتاب خویش به تفصیل به ویژگی‌های اصلی ساختار مفهومی می‌پردازد. او به لایه‌هایی در ساختار مفهومی اشاره می‌کند و در ابتدا با مثالی واضح‌تر از واج‌شناسی به بیان موضوع می‌پردازد. در واج‌شناسی ابتدا لایه هجا وجود دارد که با تجمیع آن‌ها لایه گام به وجود می‌آید و سپس واژه‌های واجی شکل می‌گیرد و در نهایت آهنگ تولید می‌شود.

چنین لایه‌هایی نیز در معنی‌شناسی مفهومی وجود دارد. در ابتدا ساختار حرف‌اضافه‌ای وجود دارد اینکه چه کسی، برای کی، کجا، و چه موقع، چه کاری را انجام داده است. این مسئله در مقابل ساختار اطلاع وجود دارد. ساختاری که به کانون توجه، مبتدا و خبر توجه دارد. زبان‌های مختلف ابزارهای متفاوتی را برای نشان‌دادن این دو سطح دارند. نکته قابل توجه این است که هر بند این دو سطح را بازنمایی می‌کند.

جکنداف (۲۰۰۲) سطح اول را به دو لایه تقسیم می‌کند. ۱. لایه توصیفی، ۲. لایه ارجاعی. لایه ۱ به ساخت سلسله مراتبی عوامل اشاره دارد و لایه ۲ به روابط ارجاعی میان آن‌ها می‌پردازد که این لایه نمایانگر نظریه بازنمایی گفتمانی است.

۲-۳. عناصر معنایی

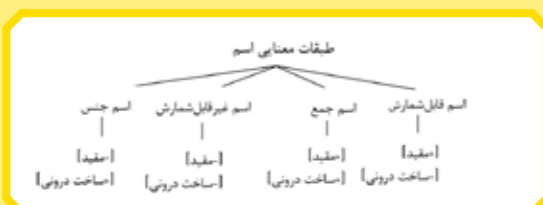
در ابتدای این بحث لازم است تا اشاره‌ای به دیدگاه

تجزیه‌گرایانه زبان‌شناسانی نظیر ویرزبیتسکا، جکنداف و لیبر شود. این زبان‌شناسان علی‌رغم نقدهایی که به یکدیگر وارد می‌آورند، همگی به تقلیل زبان به عناصر جهانی تشکیل‌دهنده آن استوارند. همانند یک فیزیک‌دان که آنقدر ماده را می‌شکند تا به اتم آن برسد، این زبان‌شناسان نیز اتم‌های زبانی را در دیدگاه تجزیه‌گرایانه خودشان مشخص می‌کنند. به طور مثال، جکنداف عناصر معنایی (۱۹۹۲) و لیبر (۲۰۰۴) عناصر ساخت‌واژه‌ای را معرفی کرده‌اند.

از دیرباز تاکنون تمایز میان ماده/جوهر و رویداد/وضعیت مورد توجه فلاسفه و زبان‌شناسان بوده است. جکنداف (۱۹۹۱) از دو مولفه [مقید] و [اساختار درونی] که به صورت سلبی و فرازبانی ارائه می‌شوند به منظور دستهبندی طبقات معنایی اسم و انواع رویدادها استفاده می‌کند.

ماده/شیء/جوهر	مؤلفه	نمونه
اسم قابل شمارش	+ مقید - ساختمند	میز، کتاب، صدایی
اسم غیرقابل شمارش	- مقید - ساختمند	آب، شیر، گوشت
اسم جمع	+ مقید + ساختمند	لشکر، ملت، گله
اسم جنس و اسم قابل شمارش (جمع)	- مقید - ساختمند	شیرها، دانش‌آموزان

جدول شماره ۲: دسته‌بندی مقوله ماده/ شیء/ جوهر بر پایه مولفه‌های مقید و ساختمند^۱



شکل شماره ۱: دسته‌بندی طبقات معنایی اسم بر پایه مولفه‌های مقید و ساختمند

دسته بندی فوق براساس دستهبندی صفوی (۱۳۸۷) است اما بر اساس دیدگاه نویسندگان این مقاله اسم غیرقابل شمارش با آنچه صفوی (۱۳۸۷) معرفی کرد جایگزین اسم جنس یا ماده در دیدگاه جکنداف شده است و اسم قابل شمارش در حقیقت اسم مفرد و یا افراد^۲ است. در نتیجه

۱. جدول شماره ۲ و ۳ و شکل شماره ۱ برگرفته از تحقیق آهنگر و مرادی ۱۳۹۵ است.

2..individuals

اسم غیرقابل شمارش مقید نیست اما ساختار درونی دارد
اسم جنس ساختار درونی ندارد و مقید نیست.

مواضع	مؤلفه	نمونه
رویدادهای آبی غیر تکراری	+ مقید - ساختند	منقرض شدن، پرخن، چشمگرفتن
رویدادهای مستند غیر تکراری	+ مقید - ساختند	بالا رفتن، قدرن، رسم کردن
<نکر لحاظ منطقی غیر ممکن>	+ مقید + ساختند
رویدادهای مستند تکراری	- مقید + ساختند	پرخن، مشت زدن

جدول شماره ۳: دسته بندی رویداد بر پایه مولفه های مقید و ساختند

۲-۲-۳. فرآیندهای ترکیبی

با توجه به اینکه چکنداف زبان شناسی تجزیه مدار است، این تفکر را به صورت های بزرگتر از واژه نیز برده است. نحو و فرآیندهایی نظیر تصریف در این بحث گنجانده شده اند. می توان به مثال های (صفوی، ۱۳۸۷) زیر رجوع کرد.

۱. صندلی ها: [+ ساخت درونی، - مقید]
۲. صندلی: [- ساخت درونی، + مقید]
۳. تنگ آب: [- ساخت درونی، + مقید]
۴. تنگ های آب: [+ ساخت درونی، - مقید]
۵. امیر به در لگد زد. [- مقید]
۶. امیر ۱۰ بار به در لگد زد. [+ مقید]
۷. علی پیوسته به در لگد زد. [- مقید]
۸. المیرا ورزش می کند. [- مقید]
۹. المیرا تا ساعت ۱۲ ورزش می کند. [+ مقید]
۱۰. المیرا پیوسته ورزش می کند. [- مقید]
۱۱. المیرا ۲ ساعت پیوسته ورزش می کند. [+ مقید]

۲-۴. مولفه های جهانی معنی

مولفه های جهانی معنایی شامل رویداد^۱، وضع^۲، شیء مادی^۳،

1. event
2. state
3. material thing

مسیر^۴، ظرف^۵ و ویژگی^۶ است. چکنداف (۱۹۹۰) با ذکر مثال هایی به تبیین این موضوع می پردازد. ابتدا میان سطح نحو و واج تمایز می گذارد و سپس سطح انتزاعی با استفاده از سطح مفهوم مفاهیم را تجزیه می کند. صفوی (۱۳۸۷) به طور مفصل به این بحث می پردازد. به منظور بیان نکردن مکررات تنها به معرفی آن در این قسمت بسنده می کنیم.

به طور مثال جمله «کامبیز یکشنبه به خانه رفت» نمایانگر یک رویداد است زیرا وقوع عملی را نشان می دهد و در سوی دیگر «کامبیز یکشنبه خانه کیوان است» بیانگر یک وضع است زیرا وضعیتی را نشان می دهد. در این دیدگاه ظرف می تواند هم زمانی و هم مکانی باشد، مانند یکشنبه و خانه. اما شایان توجه است که ترکیب «به خانه» مسیر را نشان می دهد. «چیز یا شیء مادی» در هر دو جمله می تواند کامبیز باشد و در جمله دوم کیوان نیز یک «چیز» است. از سویی، در جمله «سگ اهلی شد»، به واسطه فعل «شد» ما با رویدادی مواجه هستیم که در عین حال وضعی را نشان می دهد. در این جمله «اهلی» یک ویژگی است.

۲-۵. استلزام معنایی

یکی از اهداف معنی شناسی مفهومی توضیح رابطه استلزام (صفوی، ۱۳۸۷) است. از آنجایی که معنی شناس مفهومی به ارجاع و صدق اشیاء فرگه ای قائل نیست، درک را بر پایه مفهوم سازی از طریق مکان یابی و حواس قرار می دهد. در نتیجه استلزام را از نوع رابطه «اگر... پس» می داند. مانند جمله زیر:

بابک بنفشه را کشت ← بنفشه مرد. (الف سبب می شود تا ب تولید شود.)

۳. دیدگاه مکان مند

4. path
5. place
6. property

چکنداف (۱۹۹۶) اصلاح های مکانی را برای مفاهیم غیر مکانی استفاده می کند. مفاهیمی همچون مالکیت، زمان، ویژگی، و... بر اساس عناصر زبانی متعلق به مکان توصیف می شوند. البته این تنازع دیرینی است که مکان بر اساس زمان و یا زمان بر اساس مکان توصیف می شود. اما چکنداف بر اساس معماری ای که از ذهن ارائه می دهد و جایگاه ویژه ای را به ساختار مکانی می دهد عناصر انتزاعی دیگر را نیز بر حسب مکان قرار می دهد. به طور مثال، به جملات زیر می توان رجوع کرد:

۴. نقدهایی بر این نظریه

مهم ترین انتقادات بر این نظریه از سوی زبان شناسان قائل بر تجزیه پذیری همچون ویرژ بیتسکا (۱۹۹۲، ۲۰۰۷) است. او بر این عقیده است که این مولفه های معنایی بسیار انتزاعی هستند و نیاز به یادگیری دارند تا فهمیده شوند. همچنین نیاز به ترجمه به زبان ساده دارند. مساله مهم دیگر این است که مطالعات چکنداف فقط درباره زبان انگلیسی بوده است. پس جهانی بودن آن کجاست؟

انتقادات دیگری نیز همچون سلیقه ای بودن، داشتن دور تسلسل و استفاده از مثال های ساده و روشن برای تبیین این رویکرد بر این نظریه وارد آمده است که صفوی (۱۳۸۷) به نقل از سعید (۱۹۹۷) به تفصیل به آن پرداخته است.

۵. نتیجه گیری

این تحقیق مروری بر معنی شناسی مفهومی چکنداف، فیلسوف و زبان شناس آمریکایی، است. معنی شناسی مفهومی رویکردی صورت گرا به معنی برای مطالعه زبان طبیعی است که اولین بار توسط چکنداف شکل گرفت و تکمیل یافت. این رویکرد به دو سطح کاملا مجزا از هم تقسیم می شود. سطح اول به بیان فلسفی آن می پردازد و سطح دوم عملکرد ساخت و ساز آن را که منجر به معنی شناسی مفهومی می شود تبیین می کند. هدف معنی شناسی مفهومی بررسی فهم انسان از یک گزاره زبانی است. نکته مهم این نظریه در بازنمایی ذهنی آن است که ساخت زبان را با دنیای

واقعی و فهم انسان پیوند می دهد. این رویکرد دیدگاهی تجزیه گرایانه به زبان شناسی دارد که به تقلیل زبان به عناصر جهانی تشکیل دهنده آن اشاره می کند. چکنداف از دو مولفه مقید بودن و ساختار درونیداشتن به صورت سلبی و فرازبانی برای تمایز میان ماده/جوهر و رویداد/وضعیت استفاده می کند. از طرفی، مولفه های جهانی معنایی شامل رویداد، وضع، شیء مادی، مسیر، ظرف و ویژگی است. یکی از اهداف معنی شناسی مفهومی توضیح رابطه استلزام نیز است. درک را بر پایه مفهوم سازی از طریق مکان یابی و حواس قرار می دهد و استلزام را از نوع رابطه «اگر... پس» می داند. از مهم ترین انتقادات این است که این مولفه های معنایی انتزاعی هستند و باید یاد گرفته شوند. انتقاد مهم دیگر این است که مطالعات چکنداف فقط روی یک زبان بوده است در حالیکه او از جهانیها صحبت می کند.

۶. کتابنامه

Jackendoff, R. (1976). Toward an explanatory semantic representation. *Linguistic Inquiry*, 7 (1): 89-150.

Jackendoff, R. (1983). *Semantics and Cognition*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Jackendoff, R. (1987). *Consciousness and the Computational Mind*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Jackendoff, R. (1990). *Semantic Structures*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Jackendoff, R. (1992). MME. Tussaud meets the binding theory. *Natural Language and Linguistic Theory*.

Jackendoff, R. (1996). The architecture of the linguistic-spatial interface. *Language, Speech, and Communication*.

Jackendoff, R. (2002). *Foundations of Language: Brain, Meaning, Grammar, Evolution*. Oxford: Oxford University Press.

Jackendoff, R. (2002). *Foundations of Language*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Lieber, R. (2004). *Morphology and lexical semantics*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Saeed, J. I. (1997). *Semantics*. Oxford, UK: Blackwell.

Wierzbicka, A. (1992). Semantics, Culture, and Cognition: Human Concepts in Culture-Specific Configurations. *Journal of Linguistic Anthropology*. <https://doi.org/10.1017/S0047404500018431>

Wierzbicka, A. (2007). Bodies and their parts: An NSM approach to semantic typology. *Language Sciences*. <https://doi.org/10.1016/j.langsci.2006.07.002>

صفوی، کوروش. ۱۳۸۷. درآمدی بر معنی شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

آهنگر، عباس. مرادی، ابراهیم (۱۳۹۵) بررسی و دسته بندی معنایی اجزای کلام زبان فارسی بر پایه نظریه لیبر. زبان فارسی و گویش های ایرانی.

اختلالات اکتسابی زبان و دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا

خلاصه‌کننده: الهام بابایی ولنی
کارشناس ارشد و مدرس آزفا
elham_b73@yahoo.com



به ما این امکان را می‌دهد که هم به متن و هم به عملکرد درون متن توجه کنیم.

■ زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند و تفاوت زبان‌پریشی

در زبان‌پریشی توانایی زبان خارج از بافت سنجیده می‌شود، در صورتی که در زبانشناسی نقش‌گرای هم به متن و هم به عملکرد درون متن توجه می‌شود. افرادی که مشکلات زبانی دارند اغلب می‌توانند ارتباط برقرار کنند. آن‌ها می‌توانند تبادلهای معنایی خاصی را به روش‌های متنوع کسب کنند. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده از منابع زبانشناسی ممکن است «متفاوت» باشد، با این وجود، در درک محدوده‌های از معانی موفق‌اند.

■ زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند چه چیزی در مورد اختلال زبانی به ما نشان می‌دهد؟

در زبان‌پریشی، واژ-دستور زبان از منظر اندیشه‌پردازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از آشکارترین ویژگی‌های گفتاری افراد زبان‌پریش نقص دستور زبانی است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

حذف موارد واژگانی:

I went to the ... من به...رفتم

جایگزینی:

I ate the lemonade ... شربت لیمو خوردم

آشفته‌گی در ترتیب کلمات:

... عمل... عمل... انجام بده

Doctor... me... operation... have... me

و اما زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند بین دستور زبان و ساختار کامل متن و انسجام آن ارتباطی ایجاد می‌کند.

آرمسترانگ^۲ در سال ۱۹۹۷ گفت‌مان پنج‌گوینده زبان‌پریش را در یک دوره ۱۲ ماهه پس از سکتی مغزی آن‌ها مورد بررسی قرار داد. موضوع مورد بررسی «صحبت در مورد جالب‌ترین تعطیلاتشان» بود. نتیجه این بررسی این بود که دو نفر از آن‌ها در ابتدا تنها از بندهای پردازشی^۳ مادی «محتوایی» نزدیک به ۱۰۰٪ برای توصیف رویداد استفاده کردند. گوینده‌ها برای انتقال گفتمان، معانی گوناگونی بکار می‌گرفتند. در واقع گوینده‌های زبان‌پریش، در مقابل

2. Armstrong
3. process clauses

۲. نظریه زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند در اختلال زبان چگونه عمل می‌کند؟

■ زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند، چشم‌اندازی متفاوت

تفسیرهای زبانشناختی سنتی و روانشناسی زبان مربوط به اختلال زبانی از چارچوبی روانشناسانه^۱ نشات می‌گیرد که در آن نقص، به عنوان اختلالی در سیستم قاعده زبانی فرد در نظر گرفته می‌شود و این در حالی است که در زبان‌پریشی مشکلات پردازش واژگان، کمبود پردازش جمله و کمبود در واژگان مربوط به بازده واجی مد نظر قرار می‌گیرد. در تمامی این موارد، توانایی زبان (مانند نامگذاری اشیاء یا تصاویر) خارج از بافت سنجیده می‌شود. ما به جای تجزیه و تحلیل زبان از منظر اجتماعی، مقوله‌های عملکردی را انتخاب کردیم که ابزاری هستند برای تحلیل زبان. بنابراین مدل زبانشناسی نقش‌گرا ما را ترغیب می‌کند که نحوه بیان را از نظر معنایی درون متن بررسی کنیم و

1. intrapsychological

مختلفی را در برمی‌گیرد. چشم‌انداز اول به عملکرد مغز در افرادی با آسیب مغزی اکتسابی می‌پردازد. چشم‌انداز دوم به نقص زبان در مورد کارکرد طبیعی زبان و ساختار زبان بدون توجه به لازمی عصب‌شناختی و چشم‌انداز سوم به پاسخ پرسش‌هایی از این قبیل می‌پردازد: ۱. آیا می‌توانیم روش‌های بهتری را برای تسهیل بهبود زبان پیدا کنیم؟ ۲. آیا می‌توانیم راه‌هایی برای پیشرفت زبان مراجعه‌کنندگان پیدا کنیم؟ ۳. آیا می‌توانیم روش‌های بهتری برای فرد دارای اختلال زبان طراحی کنیم؟ در اینجا به دو موضوع می‌پردازیم: ۱. رویکرد نشانه‌شناختی اجتماعی در اختلال زبان و ۲. مشکلی که هنگام دشوار شدن ارتباط برای سخنگوی بزرگسال و شرکت‌کنندگان دیگر در امر ارتباط فرد دارای اختلال زبان رخ می‌دهد. علت پرداختن به این موضوع این است که در صورت بروز آسیب مغزی اکتسابی، دسترسی سخنگو به منابع زبانشناختی محدود می‌شود.

پرسش اصلی این مقاله:

۱. آیا اصول زبانشناختی می‌تواند به درمان یا ترمیم اختلال کمک کند؟

■ چکیده

در این مقاله درباره اختلالات اکتسابی زبان^۱ است و به این موضوع پرداخته شده است که عملکرد مغز در حوزه زبان افراد دچار آسیب‌های مغزی چگونه است و اینکه چه روش‌هایی برای تسهیل بهبود زبان در این‌گونه افراد می‌توان یافت. همچنین عملکرد زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند (SFL) در اختلال زبان و تفاوت آن با زبان‌پریشی بررسی شده است. سپس، مشکلاتی که بر اثر آسیب مغزی در بیمار به وجود آمده بررسی می‌شود و رویکردهای مهم در درمان بیان می‌گردد. در پایان نتیجه‌گیری شده است که محققان و پزشکان امید کاربرد زبانشناسی نقش‌گرا در بررسی اختلالات زبانی را رو به افزایش می‌دانند.

■ مقدمه

از دیدگاه تاریخی، مطالعه اختلال زبانی چشم‌اندازهای

1. Armstrong, E., Ferguson, A., Mortensen, L., & Togher, L. (2005). Acquired language disorders: some functional insights. In R. Hasan, C. Matthiessen, & J. Webster (Eds.), *Continuing discourse on language: a functional perspective* (Vol. 1, pp. 383-412). London; Oakville, CT: Equinox Publishing.

همتایان بدون آسیب مغزی خود، از پردازش‌های نسبی و ذهنی کمتری استفاده می‌کردند. همچنین به تولید متونی با محوریت عملی و محتوایی بیشتر، با توصیف، انعکاس یا خودسنجی پایین می‌پردازند.

■ فرانش بینافردي در ارتباط با آسیب مغزی جدی

مشکلات ارتباطی ایجاد شده پس از یک آسیب مغزی جدی^۱ (TBI) به وضوح متفاوت از مواردی است که در پی یک ضایعه کانویتر، مثل سکته قلبی یا آسیب شدید به سر رخ می‌دهد و چنین مواردی نیازمند راهکارهای مختلف برای ارزیابی و درمان است. توانایی برقراری ارتباط موفق برای کسب توانایی حفظ روابط و فعالیت‌های حرفه‌ای و تفریحی ضروری است.

1. Traumatic Brain Injury

■ مشکل اساسی افرادی که از آسیب مغزی جدی رنج می‌برند چیست؟

یکی از مشکلات اساسی افرادی که از آسیب مغزی جدی رنج می‌برند، دشواری تطبیق در کاربرد متناسب زبان با مفهوم کلی هر موقعیت است. تعامل اساسی‌ترین عامل سازنده در وضع روابط اجتماعی است. ناتوانی افراد مبتلا به آسیب مغزی جدی برای استفاده از مفهوم متناسب با یک موقعیت اجتماعی در مورد برخی نقش‌های اجتماعی مثل پدر، شوهر یا دوست بسیار موثر است.

تاگر^۲ و همکارانش در سال ۱۹۹۷ مطالعاتی را با هدف بررسی انواع مختلفی از موقعیت‌های ارتباطی انجام دادند. هدف آن‌ها بررسی همکاری افراد مبتلا به آسیب مغزی جدی و نیز تاثیر شریک ارتباطی آن‌ها در تعامل چنین

2. Togher

افرادی است تا بتوان دستورالعمل‌های درمانی موثری برای معالجه ایجاد کرد. نتایج نشان داد که نوع و ویژگی‌های گوینده مثل آشنایی، وضعیت، عدم توازن در قدرت، عوامل تعیین کننده قدرتمندی برای انتخاب‌های زبانی افراد مبتلا به آسیب مغزی جدی هستند.

■ رویکردهای مهم در درمان زبان

سه رویکرد مهم در درمان زبانی وجود دارد:

۱. بر مبنای الگوی تقویت کننده
۲. بر مبنای الگوی تعدیل کننده
۳. بر مبنای الگوی اجتماعی

در الگوی اول، درمانگر با مراجعه‌کننده کار می‌کند تا نقص او بهبود یابد (مهارت‌های مکالمه‌ای).

در الگوی دوم، تمرکز بر این است که فرد ناهنجاری را به نحوی تعدیل کند (استفاده از کارت‌های اشاره برای تسهیل مکالمه).

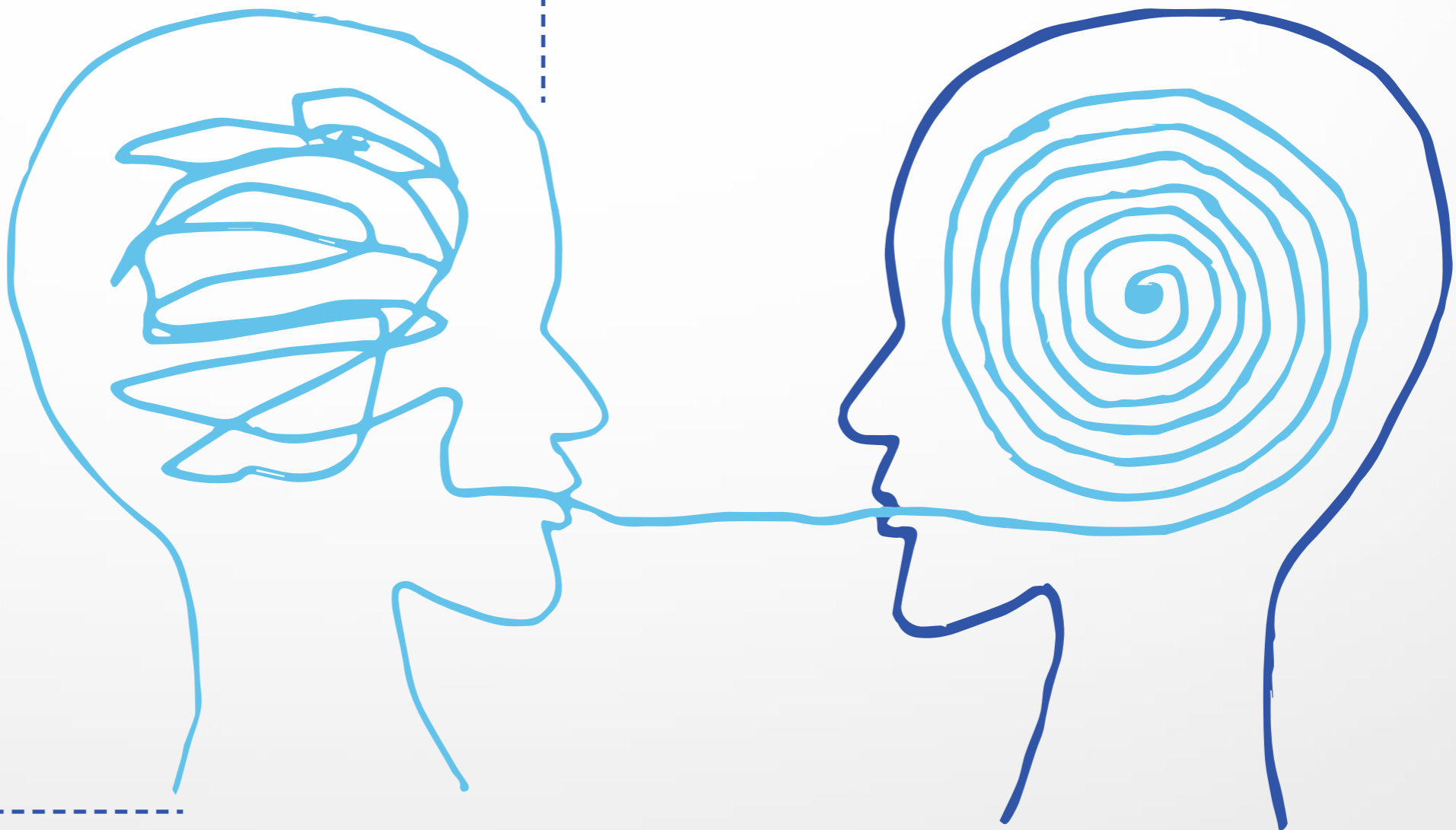
الگوی سوم، مفهوم ناهنجاری را کاملاً رد می‌کند و می‌گوید نقص زبانی چیزی نیست که در فرد وجود داشته باشد، در او اصلاح یا حتی تعدیل شود. ارتباط را فرایندی مذاکره شده می‌داند. هر مداخله‌ای باید با شرکای ارتباطی فرد و در اجتماع بطور گسترده باشد. در این روش فرد باید بتواند در زندگی اجتماعی مشارکت کند.

■ نتیجه‌گیری

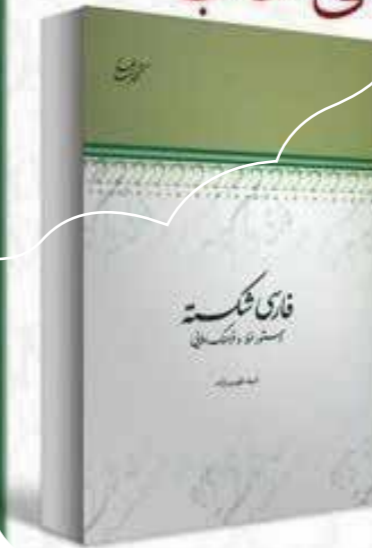
اصول زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند را می‌توان به نحوی با تمام این الگوها ادغام کرد. یکی از مهم‌ترین فرض‌های هر نوع درمان مبتنی بر اصول زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند این است که زبان برای محقق شدن هدفی به کار می‌رود و کاربرد زبان به عنوان مجموعه‌ای از واحدهای غیرمتمنی در یک تکلیف مصنوعی و محدود به واژه یا سطح جمله‌واره مدنظر نیست. جنبه‌های معنایی مثل ساختارگونه را می‌توان دوباره یاد گرفت یا اصول تبادل را می‌توان به شرکای مکالمه‌ای آموخت. برعکس مقاومت فرد را می‌توان به حداکثر رساند. همچنین زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند چارچوب نظری‌ای را برای محققان و پزشکان فراهم می‌کند که در آن زبان را می‌توان از زوایای بی‌شمار، لایه‌های مختلف و فراموش کرده‌ها بررسی کرد. تغییر در تمرکز از رویکرد میان روانشناختی برای محققان و پزشکان این امکان را می‌دهد تا نقص‌های زبانی در ارتباط را هنگامی بررسی کنند که در موقعیت‌های روزانه اتفاق می‌افتد. همچنین به آن‌ها این امکان را می‌دهد که تاثیر بافت فرازبانی را بر کاربرد منابع زبانشناختی و نیز روش‌هایی بررسی کنند که در آن منابع محدود بر ساخت بافت، نه تنها بر گوینده‌ای که اختلال اکتسابی زبان دارد، بلکه بر شرکای ارتباطی آن‌ها نیز تاثیر می‌گذارد. چنین پیشرفت‌هایی نشان می‌دهد که کاربرد بیشتر زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند در بررسی اختلالات زبانی اکتسابی رشد بسیار امیدبخشی داشته است.

اصل مقاله در آدرس زیر قابل دسترسی است.

<https://nova.newcastle.edu.au/vital/access/manager/Repository/uon:5859>



مرکز فرهنگی شهر کتاب
نشست هفتگی شهر کتاب
نقد و بررسی کتاب



با حضور

احمد سمیعی گیلانی
علی صلح جو
آبتین گلکار
امید طبیبزاده

گزارش جلسه نقد کتاب «فارسی شکسته: دستور خط و فرهنگ املائی»

امید طبیبزاده
گزارش از: مریم نورنمایی
ma.namaee@yahoo.com

محیط‌های رسمی دارد به سمت به‌کارگیری فروگونه (فارسی محاوره‌ای) پیش می‌رود. استاد علی صلح‌جو تدوین فرهنگ املائی و دستور خط را برای فارسی گفتاری چندان ضروری نمی‌دانستند بدین خاطر که، به نظر ایشان بافت کاربردی خط فارسی شکسته محدود به سبک‌های نوشتاری ادبی‌ست. ایشان عقیده داشتند خط فارسی معیار همچنان جایگاه برتر خود را در میان گویشوران فارسی‌زبان حفظ کرده است. آقای آبتین گلکار به نقد کیفی اثر حاضر پرداختند و برخی از کاستی‌های آن را متذکر شدند. سپس، فرصتی در اختیار نویسنده قرار گرفت تا به نقدهای مطرح‌شده پاسخ دهند و در نهایت به برخی سؤال‌های حاضران نیز در بخش پرسش و پاسخ پرداختند. جلسه با امضای کتاب به دست نویسنده و پذیرایی خاتمه یافت.

جلسه نقد اثر حاضر در روز سه‌شنبه ۱۳۹۸/۸/۱۴ محل شهر کتاب بهشتی رأس ساعت ۱۶:۳۰ با حضور تمام سخنرانان و همچنین با تشریف‌فرمایی دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برگزار شد. سخنران آغازین جلسه، آقای دکتر محمدخانی، به معرفی کتاب، انگیزه‌های نویسنده در انجام پژوهش و نگارش اثر، مسئله شکسته‌نویسی در زبان فارسی و اشاره‌ای به اثر دیگر نویسنده در همین زمینه، طرح دیدگاه‌های موافقان و مخالفان شکسته‌نویسی و طرح اهمیت اثر حاضر پرداختند. سپس، منتقدان آقایان استاد احمد سمیعی گیلانی، علی صلح‌جو و آبتین گلکار به ترتیب به نقد و اظهار نظر پرداختند. استاد سمیعی گیلانی با پرسشی درباره پدیده دوزبانگویی در زبان فارسی آغاز کردند و عقیده داشتند که در جامعه ما، تمایل فارسی‌زبانان حتی در

معرفی کتاب

نویسنده در بخش پیشگفتار دلیل نگارش اثر حاضر را چنین ذکر می‌کند:

«در این کتاب کوشیده‌ام تا ضمن برطرف کردن معایب آن کتاب^۱ به‌گونه‌ای بسیار موجز به نکات مهم درباره شکسته‌نویسی اشاره کنم و علاوه بر دستور خط فارسی شکسته، فرهنگ املائی آن را نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم. بنابراین، گرچه این کتاب براساس همان کتاب تدوین شده است، شامل مطالب کاملاً جدید و نیز رویکردی به‌مراتب ساده‌تر در عرصه توضیحات مربوط به دستور خط صورت‌های شکسته است...»

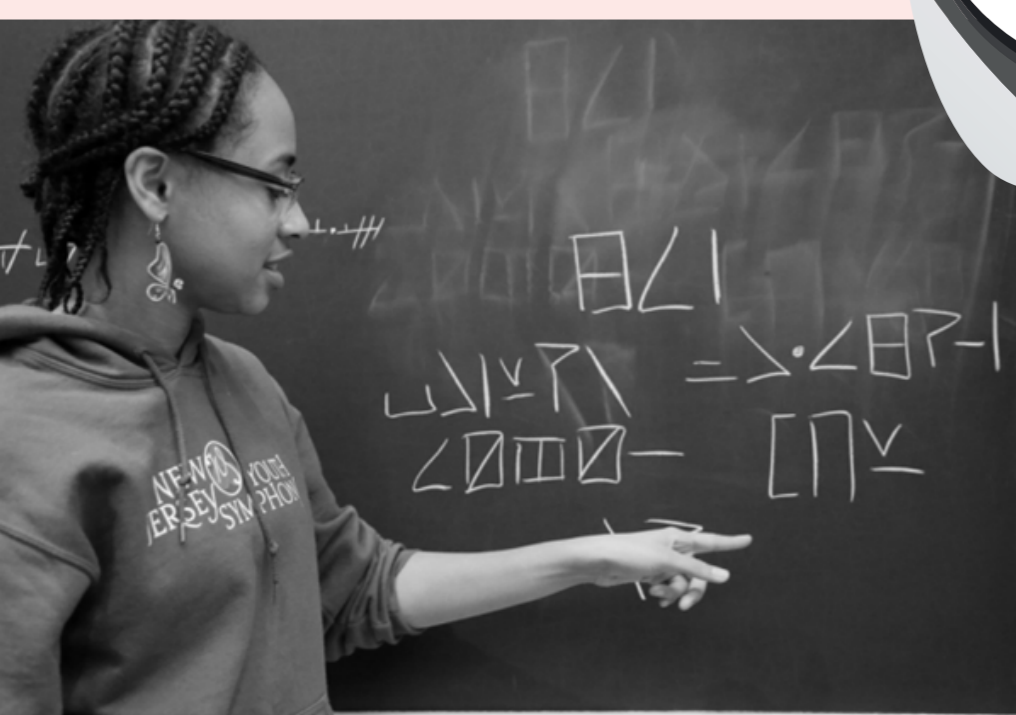
این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول با طرح ۲۵ سؤال درباره شکسته‌نویسی و مسائل مرتبط با آن آغاز می‌شود و نویسنده می‌کوشد در ادامه به تک‌تک سؤالات به‌طور مستند پاسخ دهد. در پاسخ به این پرسش‌ها، به تاریخچه شکسته‌نویسی در نثر ادبی فارسی از زمان جمال‌زاده تاکنون پرداخته شده است و به آرای موافقان و مخالفان در این زمینه اشاره‌هایی صورت می‌گیرد. نویسنده مسئله دوزبانگویی در زبان فارسی را مطرح می‌کند و به پیامدها و عواقب آن در زبان و خط فارسی اشاره می‌کند و برنامه‌ریزی دقیق و مشخص زبانی، به‌منظور جلوگیری از تبدیل تدریجی زبان فراگونه به زبان مرده را پیشنهاد می‌دهد. همچنین، به ضرورت آشنایی با شکسته‌نویسی در ادبیات داستانی و فضای مجازی اشاره می‌کند و به اهمیت نگارش دستور خط شکسته پرداخته است و ضرورت این

۱. طبیبزاده، امید. (۱۳۹۸). مبانی و دستور خط فارسی شکسته براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی (از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

امر را به‌خصوص در ارتباط با مسئله آموزش مطرح می‌کند. آموزش زبان فارسی به گویشوران گویش‌های دیگر ایرانی و غیرفارسی‌زبانان براساس ویژگی‌های زبان معیار صورت می‌گیرد. لازم است به‌منظور آموزش زبان فارسی، گونه معیار و گونه محاوره‌ای از هم متمایز شوند. بدین ترتیب، توصیف ویژگی‌های خط این گونه زبانی (زبان گفتار معیار) به‌منظور تدوین مواد آموزشی ضروری به‌نظر می‌رسد. آشنایی با دستور خط شکسته به دیگر گویشوران زبان‌های ایرانی این امکان را می‌دهد تا بتوانند نثرهای شکسته فارسی را به راحتی بخوانند و درک کنند. در نهایت، درباره تفاوت شکسته‌نویسی با صورت‌های کوتاه‌شده بحث می‌شود و لزوم درج مدخل صورت شکسته کلمات در فرهنگ‌های عمومی مطرح شده است.

بخش دوم این کتاب به دستور خط صورت‌های شکسته اختصاص یافته است. در این بخش، صورت‌های شکسته به دو طبقه کلی تقسیم می‌شوند: «صورت‌های شکسته‌ای که از صورت‌های سالم‌شان مشتق می‌شوند و صورت‌هایی که شامل گونه‌های آزاد سبکی‌اند.» سپس، گونه‌های باقاعده معرفی می‌شوند و در انتها، فرهنگ املائی صورت‌های شکسته اعم از موارد باقاعده و بی‌قاعد در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. میزان کاربرد این صورت‌ها ملاک ترتیب ارائه آن‌ها قرار گرفته است.

در بخش سوم، فرهنگ املائی صورت‌های شکسته ارائه شده است و راهنمای استفاده از آن در همین بخش گنجانده شده است. مدخل‌های این فرهنگ به ترتیب الفبایی تنظیم شده‌اند و منابع نیز در انتهای کتاب آورده شده است.



چطور زبان بسازیم؟

دپارتمان زبان‌شناسی دانشگاه ام‌آی‌تی^۱ درسی به دانشجویان ارائه می‌دهد با نام «زبان ساختگی یا Conlangs»^۲. این برنامه که از سال ۲۰۱۸ آغاز شد، خیلی زود به

یکی از کلاس‌های محبوب دانشگاه تبدیل شده است. در این کلاس، دانشجویان تلاش می‌کنند زبانی بسازند که با زبان‌هایی که تاکنون شناخته‌اند متفاوت باشد. پروفیسور نورین ریچاردز^۳ استاد زبان‌شناسی و مدرس این درس درباره این درس می‌گوید: «هدف این است که دانشجویان دریابند زبان انسان واقعاً چطور کار می‌کند.» دانشجویان در این کلاس ضمن آشنایی با حوزه‌های پایه زبان‌شناسی (آواشناسی، واج‌شناسی، ساختار، معنی‌شناسی و نحو) تلاش می‌کنند زبانی خلق کنند که تاکنون نظیر آن وجود نداشته است.

در این دوره، یکی از دانشجویان زبانی برای موجودات آبی ابداع کرد. در این زبان، موجودات زیر آب با طیف‌های مختلف رنگ‌ها با هم صحبت می‌کنند. دیگری، زبانی ساخت از ترکیب آواهای گفتار و سوت برای برقراری ارتباط سفینه‌های فضایی با یکدیگر.

پروفیسور ریچاردز نیز در ابداع زبان فعال است. او برای سریال Star Trek زبان کلینگون^۴ را ساخته بود.

۱. منبع تصویر، همان دانشگاه ام‌آی‌تی است.

2. constructed languages
3. Norvin Richards
4. Klingon

آیا واقعا بین صورت زبانی و معنی، رابطه طبیعی وجود دارد؟



پروفیسور مورتن کریستینسن از دانشگاه کورنل (Cornell University) در نیویورک، متخصص عصب‌شناسی و علوم شناختی است. او در سال ۲۰۱۶ به همراه گروه پژوهشی‌اش مقاله‌ای با نام «ارتباط بین آوا و معنی در هزاران زبان دنیا»^۲ که در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم^۳ منتشر کردند و در آن مدعی شدند که بین برخی مفاهیم اساسی و آواهایی که انسان برای نامیدن آن‌ها به کار می‌گیرد، رابطه آماری غیرقابل انکاری وجود دارد. بر این اساس، انسان‌ها فارغ از فرهنگ

و زبانی که به آن سخن می‌گویند، در هر نقطه دنیا که زندگی می‌کنند، در نامیدن مفاهیمی چون اعضای بدن، روابط خانوادگی، پدیده‌ها و محیط طبیعی، صفت‌ها و ضمیرها از آواهایی استفاده می‌کنند که کمابیش به هم شباهت دارند. اگر این ادعا درست باشد، وجود رابطه طبیعی میان صورت واژه و معنی آن دوباره بحث‌برانگیز خواهد شد.

تیم پژوهشی پروفیسور کریستینسن از آرژانتین، آلمان، هلند و سوئیس و متخصص در رشته‌های

زبان‌شناسی، علوم کامپیوتر و پزشکی بودند. آن‌ها ۴۰ تا ۱۰۰ واژه پایه را در ۶۲ درصد از ۶۰۰۰ زبان موجود در

۱. منبع تصویر:

<https://news.cornell.edu/stories/2016/09/nose-any-other-name-would-sound-same-study-finds>

2. Sound-meaning association biases evidenced across thousands of languages
3. Proceedings of National Academy of Sciences

جهان و ۸۵ درصد نیای آن زبان‌ها مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها این واژگان را از پیکره واژگانی موجود در وبسایت برنامه قضاوت شباهت خودکار (ASJP) که در آدرس <https://asjp.cldd.org> موجود است استخراج و مورد استفاده قرار دادند.

برای مثال آن‌ها دریافته‌اند که در بیشتر زبان‌ها، در واژه «بینی» صدای /n/ یا /u/ وجود دارد. احتمالاً در واژه «زبان» آواهایی مانند /l/ «برگ»، /p/، /b/ یا /m/ ماسه /s/ و در «قرمز»

و «دایره» آوای /r/ وجود دارد. به همین ترتیب، در نامیدن برخی مفاهیم، زبان‌ها تمایل کمتری به استفاده از آواهایی خاص دارند. مثلاً بعید است ضمیر «من» حاوی آواهایی مانند /b,l,p,r,s,t,u/ باشد یا در ضمیر «شما» صداهای /b,l,q,o,p,r,s,t,u/ یافت شود.

این یافته بدان معنا نیست که همه واژه‌ها دارای این صداها هستند، اما این رابطه بسیار قوی‌تر از آن است که مورد انتظار بود و این نمی‌تواند اتفاقی باشد.

کریستینسن می‌گوید: «به نظر می‌رسد چیزی

مربوط به شناخت در انسان وجود دارد که به این الگوهای مشابه منجر می‌شود. اما ما هنوز ماهیت آن را نمی‌دانیم اما می‌توانیم ادعا کنیم که چنین چیزی وجود دارد.»

این مقاله در آدرس زیر قابل دسترسی است:

<https://www.pnas.org/content/ear-ly/2016/09/06/1605782113.abstract>



گذر از دو قرن سکوت

متون نویافته فارسی میانه از طبرستان

دکتر تورج دریایی

بازنشر از مجله بخارا، سال شانزدهم



زمانی که مرحوم دکتر زرین کوب کتاب مهم و اثرگذار خود به نام دو قرن سکوت را نوشت، بیشتر منابع موجودی که حاوی اطلاعاتی درباره وضعیت ایران شهر پس از شکست دولت ساسانی بود، بر اساس منابع فاتحان و متون عربی درباره فتوحات نوشته شده بود. خود این متون نیز بیش از یک یا دو قرن پس از فتوحات به رشته تحریر درآمده بودند. امروز ما متون فتوح به زبان عربی را در زمره رجزخوانی‌هایی قلمداد می‌کنیم که مؤلفانش پیروزی اعراب مسلمان را با دیدی افسانه وار شرح داده‌اند. آنچه در این متون در باب پیروزی مسلمانان بر ایران شهر و امپراطوری روم آمده، دیگر نه قابل قبول است و نه مورد استناد.

در این متون، اعراب مسلمان به هیأت ارتشی پابرهنه با سلاح‌های پیش پا افتاده تصویر شده‌اند که با توسل به خدا توانستند در مقابل ارتش ساسانی و ارتش روم به پیروزی برسند و جهان را تسخیر کنند. از طرف دیگر، به سبب خلأیی که در منابع باستان شناسی و متون کتبی فارسی وجود داشته، تصور اوضاع حاکم بر مردم ایران شهر پس از فتوحات بیشتر تالی دیدگاه ناسیونالیستی نیم قرن گذشته در ایران بوده است و بنابراین، تصویر اعراب فاتح در متون

فارسی مربوط به دوران فتوح و «چیرگی» اعراب مسلمان بر ایران شهر و دیگر نقاط جهان نیز چندان صحت تاریخی ندارد.

در این متون، اعراب فاتح لشکری خشن وصف شده‌اند که زنان و کودکان را به بردگی گرفته و کاخ‌ها و آبادی‌ها را ویران کرده‌اند. اغلب چنین بازنمود شده که در دو قرن اول تسلط اعراب بر ایران، کسی به فارسی نمی‌نوشت و شاید سخن نمی‌گفت و پس از گذشت دو قرن و ابداع خط عربی، ایرانیان دوباره شعر سرودند و ادبیات نوین فارسی شکل گرفت.

اما حقیقت کدام است؟ در پنجاه یا صد سال پس از



مرگ یزدگرد سوم، آخرین شاهنشاه ساسانی، در ایران شهر چه می‌گذشته و بر ایرانیان چه رفته است؟ هرچند لابه‌لای بعضی از متون فارسی میانه اشاراتی مهم و ظریف از موبدان بزرگ زمانه، مانند آذرفرینغ فرخ زادان و آدورباد امیدان و چندی دیگر، درباره اوضاع ایرانیان در دو قرن نخست هجری در بغداد در دست است، اما باز این نوشته‌های مهم بیشتر مباحث دینی و جهان بینی ایرانیان را نشان می‌دهند تا حقایق زندگی مردم را. می‌توان گفت نوشته‌ای از زبان ایرانیان در فلات ایران موجود

نبوده که مسائل روزمره و حقایق زندگی ملت ایران را بازگ. کند. به همین علت است که کسانی که درباره دو قرن نخست پس از فروپاشی دولت ساسانی کتاب و مقاله نوشته‌اند، ناچار به منابع عربی تکیه داشته‌اند که وصف کیفیت آن در سرآغاز مطلب آمده است.

اما اینک، یافتن دو آرشو مهم به زبان فارسی میانه، یکی در نزدیکی قم و دیگری در نواحی طبرستان می‌تواند نگاه و دریافت ما را نسبت به دو قرن سکوت به کلی تغییر دهد. بررسی آرشو قم را که دارای بیش از صد و بیست نامه به زبان فارسی میانه است، در مجالی دیگر پی خواهیم گرفت و در این نوشته به متون فارسی میانه طبرستان نظر خواهیم

انداخت که حدود صد سال پس از مرگ یزدگرد سوم نوشته شده‌اند. نامه‌های طبرستان از آنجا حائز اهمیت هستند که تحولات زبان فارسی را در دوره‌ای بر ما نمایان می‌کنند که منابع فارسی ما درباره آن بسیار محدود است. با نگاهی به نمونه‌ای از این نامه‌ها می‌توان بهتر به ساختار زبان فارسی و انواع دگرپرسی آن آگاه شد.

نامه شماره بیست و دو طبرستان بر روی پارچه و در سی و یک خط به زبان فارسی میانه نوشته شده است. تاریخ نامه این گونه درج شده: «در ماه بهمن سال صد و چهار در روز بهرام» که مصادف با سال هفتصد و پنج میلادی است، یعنی قرن اول هجری. نامه را پیشوای مذهبی زرتشتی (در فارسی میانه، رد rad) به نام وینداد خورشید نوشته است خطاب به شخصی به نام خردزاد که او نیز خود دبیر بوده و در ده هسپین رز منطقه‌ای به نام دیل دیلان که به نظر محققان گیلان است، سمتی حقوقی داشته است. وندیداد خورشید به خردزاد نوشته است که شخصی به نام برزین پیروز شکایت یا اظهار دادرسی کرده است. به گفته او، چهار نفر که در این نامه نام‌های آن‌ها عنوان شده است (داد گشنسب، برادر او یزد، راست داد، یزدسر) متهم هستند که به خانه بانویی به نام دیزا رفته و با زور و ستم جواهرات

شکر فارسی زبان است

فارسی شکر شکرین است!

دیانا الله بخش
دانش آموخته معماری

مشاوره دکتر فاطمه عظیمی فرد و عباس رجب‌سلمانی با هدف افزایش دانش عمومی و آگاهی مخاطبان فارسی‌زبان سیما درباره زبان فارسی به سفارش حوزه ریاست سازمان صداوسیما و با حمایت ستاد حفظ و ترویج زبان فارسی سیما تولید شده است و از اول آذرماه ۱۳۹۸ از شبکه‌های سیما به عنوان برنامه پخش می‌شود.

محتوای هر برنامه یک نکته زبانی اعم از نوشتاری، دستوری، صرفی، جامعه‌شناسی زبان و به طور کلی، نکته‌های زبان‌شناختی و یا آشنایی با بزرگان زبان و ادب فارسی را شامل می‌شود. از سویی نیز فرهنگستان همواره

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از منابع مهم تولید فرهنگ می‌تواند در مسیر فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی زبانی چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه گام موثری را در شناساندن زبان فارسی بردارد. در حال حاضر برنامه‌هایی هم در حال پخش است که می‌توانیم به برنامه «فارسی شکر است»، «چهار دقیقه با زبان فارسی» تولید شده در شبکه چهار سیما و برنامه‌های دیگر مانند «فارسی را پاس بداریم» اشاره کنیم.

برنامه «فارسی شکر است» با کارشناسی و اجرای دکتر بهروز محمودی بختیاری، تهیه‌کنندگی مهدی شاه‌رضایی و

ادامه می‌داده‌اند. تقویم مورد استفاده زرتشتی بوده است و یزدگردیست. در این زمان، حکام ایرانی و زرتشتی بر قسمتی از فلات حکومت می‌کرده‌اند (در نامه بیست و یک از شاه پتسخورگر) نام برده شده است و نام‌ها همه زرتشتی و قوانین موسوم، دنباله‌رو سنت دوره ساسانی است.

این نامه ما را به بازنگری دانسته‌هایمان درباره وضعیت زندگی ایرانیان و ایران‌شهر در دو قرن سکوت وامی‌دارد. ایرانیان در دو قرن نخست پس از پایان دولت ساسانی هنوز به زبان خود سخن می‌گفتند و به فارسی می‌نوشتند. همچنین آن‌ها قوانین و سنن خود را حفظ کرده بودند و نفوذ اعراب و دین نوین کمتر در این متون دیده می‌شود.

البته از نامه‌های فارسی میانه آرشو قم پیداست که مسلمانان در منطقه حضور دارند اما این هم آشکار است که سنن و دین ایرانیان پابرجاست و مراسم رقص و پایکوبی ادامه دارد و تاکستان‌ها به کار خود ادامه می‌دهند. ناگفته نماند که در زمان تسخیر تعداد سربازان اعراب مسلمان محدود بوده است و حتی با ملحق شدن سواره‌نظام مهم ساسانی، یعنی اسواریه، هیچ‌گاه آن‌ها نمی‌توانستند بر هزاران ده و آبادی و شهرهای ایران‌شهر مستقیماً غلبه و حکمرانی کنند. نامه‌های فارسی میانه به خوبی این حقیقت را بازگو و اثبات می‌کند که تغییر و تحول در فلات ایران تدریجاً صورت گرفته است. در طول زمان، تعدادی از قبایل اعراب در بعضی نواحی فلات ایران سکنا گزیدند و به تدریج با مردم محلی درآمیختند. مهم‌ترین آن‌ها در خراسان ساکن شدند که بعدها باعث روی کار آمدن عباسیان شدند و دولت عربی اموی را ساقط کردند. چاب‌جایی قبایل اعراب نیز قسمتی از استراتژی ساسانیان بود که از همان اوایل حکومت خود سعی در جابه‌جایی گروه‌ها و قبایل گوناگون داشتند تا بتوانند در منطقه ثابت برقرار کنند.

نامه‌های فارسی میانه، گنجی است از اطلاعات که می‌تواند دید نوینی از تاریخ ایران در دوره «دو قرن سکوت» ارائه دهد و برداشت پیشین را یکسره دگرگون نماید.



و جام‌های قیمتی او را به ارزش پانصد استیر (سیر) که مبلغ هنگفتی است، ربنده‌اند. حال برزین پیروز از طرف زن پادشاهی خود از دستگاه قانونی درخواست کرده است که در این مورد به او یاری دهند. در این نامه، وندیداد خورشید از خردزاد خواسته است که این چهار نفر را احضار کند و به دادخواهی برزین پیروز برسد و دادگاهی ترتیب دهد. برزین پیروز می‌بایستی طبق قوانین مرسوم، از طرف زن خود دادخواهی کند چون زن پادشاهی اوست و خود اجازه این کار را ندارد. اهمیت این نامه و همه نامه‌های موجود در این آرشو از آنجاست که ما درمی‌یابیم پس از گذشت یک قرن از فروپاشی دولت ساسانی، مردم منطقه‌ای در شمال فلات ایران‌شهر بدون دخالت اعراب مسلمان به زندگی خود

و برنامه‌ساخته و حمایت شد که برنامه «فارسی شکر است» یکی از آنهاست.

او در ادامه با توضیح تفاوت برنامه و برنامه‌ساخته گفت که برنامه‌ها در واقع ساخته‌های کوتاه یک، دو یا چند دقیقه‌ای هستند و مانند آگهی‌های بازرگانی لابه‌لای برنامه‌های دیگر پخش می‌شوند. هدف چنین برنامه‌هایی این است که یک نکته یا موضوع مشخص را معرفی و تبیین کنند. او مثالی برنامه «متشکر استاد» در تلویزیون فرانسه را مثال می‌آورد که در آن یک نفر در قالب کارشناس اطلاعات کوتاهی درباره ویژگی‌های زبان فرانسه بیان می‌کند.

شبکه سه متولی اصلی این برنامه است و قرار است در قالب مجموعه‌ای با بیش از صد قسمت تهیه شود که تا به حال ۴۰ قسمت آن ضبط شده و هر هفته میان برنامه‌های گوناگون از شبکه‌های مختلف سیما و همچنین شبکه‌های استانی پخش می‌شود. گفته می‌شود این برنامه قرار است از شبکه‌های بین‌المللی صداوسیما مثل شبکه جام جم نیز پخش شود.

محمودی بختیاری در رابطه با انتخاب موضوع برای ساخت این برنامه بیان می‌کند که در واقع موضوعات مختلف درباره زبان فارسی که احساس می‌کنند برای افراد جذاب است و از آن لذت می‌برند را هر کدام در یک برنامه یک دقیقه‌ای ساخته‌اند.

سازندگان برنامه در خصوص تداوم آن می‌گویند اگر مردم بخواهند، ادامه خواهند داد. در راستای این گفته نیز در تلویزیون نظرسنجی‌هایی ارائه گردیده است. همکاران بیان به سازندگان این مجموعه دست‌میرزاد می‌گویند. امید است با ساخت چنین برنامه‌هایی گام بلندی در ترویج زبان و زبانشناسی برداشته شود. هم چنین برای این برنامه و دوستان سازنده آن نیز آرزوی موفقیت‌های روزافزون را دارا هستیم.

حمایت و تشویق خود را از ساخت و تولید برنامه‌های شایسته درباره زبان و ادبیات فارسی و این برنامه‌های اعلام کرده است.

بهروز محمودی بختیاری، استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران که به عنوان کارشناس و مجری در برنامه «فارسی شکر است» ایفای نقش می‌کند، در گفت‌وگو با ایننا درباره این برنامه بیان کرد که بعد از تصمیم صدا و سیما به ساخت برنامه‌هایی جهت حفظ و توسعه زبان فارسی، چندین برنامه